تقویت سیستم ایمنی

گروه اجتماعی- جوانه گندم به دلیل داشتن ویتامین E، سلنیوم و منیزیم باعث حذف رادیکال‌های آزاد می‌شود و به تقویت سیستم ایمنی و فعالیت‌های مغز کمک می‌کند. جوانه گندم منبع عالی از پروتئین‌های گیاهی همراه با فیبر و چربی‌های سالم است. همچنین منبع خوبی از منیزیم، روی، اسید فولیک، پتاسیم و فسفر است. این نوع خاص از مواد تشکیل دهنده یکی از مولتی‌ترین مواد غذایی است که می‌توان در هر نوع غذایی به کار برد و خوشبختانه، متنوع است و کاربردهای متفاوتی دارد. روغن جوانه گندم نیز برای بهبود حالت مفید است چون حاوی اسیدهای چرب امگا ۳ است که به تنظیم سیستم عصبی کمک می‌کند.

جوانه گندم در انواع مواد غذایی به افزایش ایمنی کمک می‌کند. پروتئین موجود در جوانه گندم فعالیت آنتی اکسیدان‌ها را در بدن افزایش می‌دهد. این امر مانع آسیب بافت بدن و باعث از بین رفتن هر گونه ارگانیسم عفونی می‌شود در نتیجه مکانیزم دفاعی بدن را بهبود می‌بخشد. موی سالم را اضافه کردن جوانه گندم به رژیم غذایی به دست می‌آید.

اگر بدن از ویتامین E محروم بماند، موها خشک می‌شوند و به راحتی می‌شکنند بنابراین اگر می خواهید موهای قوی، سالم و براقی داشته باشید، روغن جوانه گندم می‌تواند این کار را انجام دهد. گیاهک گندم خواص آنتی اکسیدانی و ضد پیری دارد و به پیشگیری از بسیاری بیماری‌ها مانند سرطان و بیماری‌های قلبی – عروقی و همچنین کاهش علایم پیری همچون ایجاد خطوط و چین و چروک کمک می کند و علایم پیری زودرس را نیز کاهش می دهد، بافت پوست و مو را حفظ و حتی از پوست در برابر آسیب محافظت می کند. اسید چرب ضروری آلفا اسید لینولنیک در روغن جوانه گندم با اثنتهاب مقابله و از سیستم های قلبی – عروقی و سیستم ایمنی محافظت می کند. روغن جوانه گندم حاوی اسیدهای چرب ضروری دیگر مثل اسید استاریک است که اثرات مثبت روی پروفایل های چربی دارد و اولئیک اسید تولید و از قلب محافظت می کند.

وعده غذایی مناسب

گروه اجتماعی- بیشتر افراد خردن شیرینی را دوست دارند اما برخی افراد در خوردن آن زیاده روی و هر روز مقدار زیادی شیرینی مصرف می‌کنند و این موضوع به نیاز روزانه شان تبدیل شده است. تحقیقات و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که پروتئین در صبحانه می‌تواند جلوی هوس افراد به شکر و قند را بگیرد. پروتئین‌های بدون چربی همچون ماست یونانی، کره بادام زمینی، تخم مرغ و پنیر کم چرب هورمون‌های تحریک کننده گرسنگی کمتری ایجاد می کند.

نخوردن وعده غذایی، سطح قند خون را پایین می آورد و باعث می‌شود در طول روز به خوردن مواد بیشتری روی بیاورید تا کالری از دست رفته را جبران کنید.

در طول روز باید ۵ بار غذا بخورید که ۳ مورد آن وعده غذایی اصلی و دو مورد میان وعده‌های سرشار از مواد غذایی خوشمزه و مفوی همچون غلات سبوس دار، حبوبات، گوشت، مرغ، ماهی، بولغمون بدون چربی، آجیل، لبنیات شیرین نشده کم چرب، تخم مرغ و سبزیجات است. کمبود خواب نیز نه تنها باعث می‌شود غذاهای شکردار جذاب تر از قبل به نظر برسند بلکه می‌تواند توانایی برای مقاومت در برابر آن را کاهش دهد. بخشی از مغز که مسئله ایجاد هوس خوردن مواد شیرین می‌شود در هنگام خستگی فعال تخواهد بود پس داشتن خواب کافی برای تعادل هورمون‌ها و افزایش استقامت در برابر مواد شیرین ضروری است.

داشتن تحرک می‌تواند همین خوردن شیرینی را غیر فعال سازد.

مطالعات متعدد نشان داده است که مولتی ویتامین‌های حاوی کلسیم و ویتامین D می‌تواند همین افراد به خوردن مواد شیرین را کاهش دهد و به کاهش وزن بینجامد. چربی‌های اضافه در بدن به ویتامین D می چسبند بنابراین بدن نمی تواند از آن استفاده کند و همین امر در فعالیت لیپتین تداخل ایجاد می کند. کمبود آب هم می‌تواند تمایل افراد به شکر و غذاهای مضر را افزایش دهد. مطالعاتی که اخیراً انجام شده نشان می‌دهد که کمبود آب می تواند به خستگی، اضطراب، تمرکز ضعیف و حتی افزایش هوس و اشتهای افراد منجر شود.

از زنجیرزنی تا مداحی در بجنورد قدیم

محرم در آن سال ها

علوی

در دیار شهر رنگ غم به خود گرفته و به خاطر عزای امام حسین(ع) در ماتم فرو رفته است. باز هم نوجوان ها و جوان ها در کنار بزرگ ترها همانند عزاداری و پذیرایی از عزاداران حسینی را برپا کرده و دور میدان ها و داخل کوچه ها موکب زده اند. یکی سینی چای را به رانندگان خودروهای عبوری تعارف می کند و دیگری عابران پیاده و آن هایی را که فرزند کوچک دارند، به داخل موکب هدایت می کند تا روی صندلی بنشینند. هیئت های عزاداری هم در حسینیه ها و تکایای خود مشغول سینه زنی و عزاداری هستند و در ماتم شهدای کربلا اشک می ریزند.

حسینیه های قدیمی

«نقی اعلمی» یکی دیگر از شهروندان هم بیان می کند: آن زمان پدرم جزو خادمان و عزاداران امام حسین(ع) بود و به یاد دارم محرم که می شد در حسینیه «نایب علی» سینه زنی و زنجیرزنی می کرد. وی ادامه می دهد: پدرم همیشه من و برادرم را همراه با خود به حسینیه می برد تا از همان ابتدا ما را با آیین های ماه محرم آشنا کند. زمان حلیم خوردن که می شد با این که کوچک بودیم اما دوست داشتیم ما نیز مانند افرادی که پذیرایی می کردند و به آن ها «سره» می گفتند، به بزرگ ترها کمک کنیم. وی می افزاید: پس از پایان پذیرایی کنار پدرم می نشستیم و حلیم می خوردیم.

وی می گوید: من و برادرم عادت داشتیم حلیم خود را با شکر بخوریم و همیشه قبل از رفتن به حسینیه پدرم برای مان ظرف های کاغذی درست می کرد و شکر داخل آن‌ها می ریختیم و در آن‌ها را محکم می کردیم و در جیب مان می گذاشتیم و راهی حسینیه می شدیم.

مداحی قدیمی

یکی از مداحان قدیمی شهر و پیرغلام بجنوردی هم درباره آن روزها می گوید: در نوجوانی با توجه به این که صدای خوبی داشتم وارد کار مداحی شدم و کار خود را در هیئت «کربلایی رجب» آغاز کردم و پس از آن که کانون مداحان شکل گرفت عضو این کانون شدم و کارها به شکل بهتری سامان دهی شد تعزیه خوانی هم بود که به دلیل آن که طبعی در شعر نیز دارم توجه را خودم می سرایم و اجرا می کنم. ۷ هیئت نیز هنگام اربعین حسینی با هم متحد می شدند و به نام هیئت متحده حسینی به شهید می رفتند اما اکنون تعداد هیئت ها به حدود ۷۰ مورد رسیده است.

خاطرات زنجیر زنی

«نقی زاده» شهروند ۶۵ ساله ای است که می گوید: از زمانی که ۱۸ یا ۱۹ سال داشتم یادم می آید که اهل محل، معتمدان و بزرگان قبل از ماه محرم در خانه یکی از همسایه ها جمع می شدند تا درباره چگونگی برگزاری مراسم عزاداری ۱۰ شب اول محرم صحبت کنند و هر کس هر چه در توان داشت وسط می گذاشت تا عزاداری های ماه محرم به نحو احسن و با آبرو برگزار شود.

وی می افزاید: آن موقع به طور مرتب در ماه های محرم با دوستانم به حسینیه می رفتیم و آن جا در عزاداری شرکت می کردیم. وی ادامه می دهد: آن موقع در شب های تاسوعا و عاشورا هیئت ها برای عزاداری به خیابان های شهر می آمدند.

حضرت قاسم(ع) و گهواره نمادین حضرت علی اصغر(ع) هم به حرکت در می آمد. یک هیئت اشقیا به رنگ قرمز و عده ای لباس سبز اولیا می پوشیدند، بعضی از افرادی که انتخاب می شد و هیئت ها اجازه شبیه خوانی نداشتند اما در روستاهای «فیروزه» و «بدرانلو» این کار انجام می شد و با این که در «بدرانلو» پاسگاه هم بود اما اهالی روستا مقاومت می کردند و به هر شکلی که بود این مراسم را برپا می کردند و البته بعد از مراسم نیز تمات آن را متحمل می شدند. وی می گوید: مراسم تعزیه خوانی در بجنورد این طور بود که عده ای سوار بر اسب بودند و بقیه تعزیه خوان ها روی تخت های روان که مثلا بارگاه یزید و عمر بن سعد بود، حرکت می کردند. حمله گاه نمادین که خوانده می شد، استفاده و مفهوم واقعی آن ها را درک کنند. وی به نبود امکاناتی مانند بلندگو و دستگاه های مختلف پخش صدا در زمان‌های دور و دوران کودکی خود اشاره و بیان می کند: عزاداران در هنگام دسته روی، دو گروه می شدند؛ گروهی زنجیرزن و گروهی سینه زن.

این مداح به وجود سه هیئت سینه زنی در زمان قدیم اشاره و اضافه می کند: این هیئت ها به سمت امامزاده سید عباس (ع) دسته روی و از آن پس به دلیل آن که طبعی در شعر نیز دارم توجه را خودم می سرایم و اجرا می کنم. وی می گوید: مراسم عزاداری در محرم به سینه زنی، زنجیرزنی و علم گردانی شرکت می کردیم. وی ادامه می دهد: پدرم همیشه من و برادرم را همراه با خود به حسینیه می برد تا از همان ابتدا ما را با آیین های ماه محرم آشنا کند. زمان حلیم خوردن که می شد با این که کوچک بودیم اما دوست داشتیم ما نیز مانند افرادی که پذیرایی می کردند و به آن ها «سره» می گفتند، به بزرگ ترها کمک کنیم. وی می افزاید: پس از پایان پذیرایی کنار پدرم می نشستیم و حلیم می خوردیم.

وی می گوید: من و برادرم عادت داشتیم حلیم خود را با شکر بخوریم و همیشه قبل از رفتن به حسینیه پدرم برای مان ظرف های کاغذی درست می کرد و شکر داخل آن‌ها می ریختیم و در آن‌ها را محکم می کردیم و در جیب مان می گذاشتیم و راهی حسینیه می شدیم.

مداحی قدیمی

یکی از مداحان قدیمی شهر و پیرغلام بجنوردی هم درباره آن روزها می گوید: در نوجوانی با توجه به این که صدای خوبی داشتم وارد کار مداحی شدم و کار خود را در هیئت «کربلایی رجب» آغاز کردم و پس از آن که کانون مداحان شکل گرفت عضو این کانون شدم و کارها به شکل بهتری سامان دهی شد تعزیه خوانی هم بود که به دلیل آن که طبعی در شعر نیز دارم توجه را خودم می سرایم و اجرا می کنم. ۷ هیئت نیز هنگام اربعین حسینی با هم متحد می شدند و به نام هیئت متحده حسینی به شهید می رفتند اما اکنون تعداد هیئت ها به حدود ۷۰ مورد رسیده است.

وی به شبیه خوانی در زمان قبل از انقلاب هم اشاره و اظهاراتی می کند: آن موقع به دلیل سختگیری های حکومت پهلوی، دسته روی ها فقط در صبح، عصر و شب تاسوعا و عاشورا انجام می شد و هیئت ها اجازه شبیه خوانی نداشتند اما در روستاهای «فیروزه» و «بدرانلو» این کار انجام می شد و با این که در «بدرانلو» پاسگاه هم بود اما اهالی روستا مقاومت می کردند و به هر شکلی که بود این مراسم را برپا می کردند و البته بعد از مراسم نیز تمات آن را متحمل می شدند. وی می گوید: مراسم تعزیه خوانی در بجنورد این طور بود که عده ای سوار بر اسب بودند و بقیه تعزیه خوان ها روی تخت های روان که مثلا بارگاه یزید و عمر بن سعد بود، حرکت می کردند. حمله گاه نمادین که خوانده می شد، استفاده و مفهوم واقعی آن ها را درک کنند. وی به نبود امکاناتی مانند بلندگو و دستگاه های مختلف پخش صدا در زمان‌های دور و دوران کودکی خود اشاره و بیان می کند: عزاداران در هنگام دسته روی، دو گروه می شدند؛ گروهی زنجیرزن و گروهی سینه زن.

این مداح به وجود سه هیئت سینه زنی در زمان قدیم اشاره و اضافه می کند: این هیئت ها به سمت امامزاده سید عباس (ع) دسته روی و از آن پس